

صلاحیت شوراهای حل اختلاف در خصوص رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم

خبراله هرمزی*
عبدالجلیل سالاری**
محمد رضا پاسبان***

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۸

چکیده

شوراهای حل اختلاف مرجعی قضایی است که بیشتر در مسیر صلح و سازش بین طرفین دادرسی قدم برمی‌دارد. اما در مواردی نیز این مرجع به رسیدگی و صدور حکم خواهد پرداخت که این موارد در قانون جدید شوراهای حل اختلاف رو به افزایش نهاده است. هرچند شوراهای حل اختلاف در خصوص موضوعات کیفری صلاحیت گسترده‌ای ندارند، موضوع ضرر و زیان ناشی از جرم، موضوعی حقوقی است که صرفاً منشا آن از جرم حاصل آمده است. در واقع این دعاوی جنبه حقوقی دارد و در اصل نیز در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی است. طبق قانون شوراهای حل اختلاف، در خصوص صلح و سازش، از آنجایی که این شوراها در تمام دعاوی حقوقی و مدنی صلاحیت دارند، دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم نیز در این زیرمجموعه قرار می‌گیرد و شوراها می‌توانند تمامی دعاوی ناشی از ضرر و زیان ناشی از جرم را به صلح و سازش خاتمه دهند. اما در خصوص صدور حکم به جبران خسارات ناشی از جرم، باید به قواعد عام رسیدگی شوراهای حل اختلاف رجوع کرد. بدین مفهوم که صدور حکم در این موارد نیاز به رعایت تشریفات خاصی دارد که طبق قانون شوراهای حل اختلاف باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان:

دعوی حقوقی و مدنی، شورای حل اختلاف، صلاحیت، ضرر و زیان ناشی از جرم.

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

Kh.hormozi@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی

Jalil.salari1064@gmail.com

*** دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی

m.paseban@atu.ac.ir

مقدمه

صلاحیت عبارت است از توانایی، شایستگی و تکلیفی که قانون به یک مرجع قضایی به منظور رسیدگی اعطا نموده است. در امور کیفری، صلاحیت عبارت است از توانایی، شایستگی، تکلیف و الزامی که قانون به یک مرجع قضایی برای رسیدگی به یک دعوای کیفری اعطا می‌نماید.^۱

قواعد صلاحیت مربوط به نظم عمومی بوده، مقررات مربوط به آن به منظور اعمال صحیح عدالت قضایی وضع شده است و توافق برخلاف آن توسط اصحاب دعوا پذیرفته نیست. کلیه مراجع کیفری مکلفاند قبل از شروع به تعقیب، تحقیق و رسیدگی، صلاحیت خود را بررسی نمایند. یکی از مراجع طرح دعوا در نظام حقوقی ما، شوراهاى حل اختلاف اند. اولین مطلبی که در خصوص این مراجع مطرح می‌شود و از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است، بررسی صلاحیت آنهاست. طبق قانون شوراهاى حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، این نوع مراجع در بعضی موارد صلاحیت اختیاری و در بعضی موارد صلاحیت اجباری دارند و در بعضی دعوای اصلاً صالح به رسیدگی نیستند.

صلاحیت اختیاری به این معناست که طرفین می‌توانند در خصوص بعضی از موارد اختلاف، به شورای حل اختلاف مراجعه کنند، ولی در این خصوص الزامی وجود ندارد. منظور از دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم، دعوای‌ای است که شخص مرتکب در کنار ارتکاب جرم موجب ورود خسارت به شخص زیان‌دیده نیز می‌گردد. این جرایم بیشتر علیه اشخاص یا اموال رخ می‌دهد، اما از تبعات آن ورود خسارت‌هایی دیگر به شخص زیان‌دیده است. ضرر و زیان ناشی از جرم در بسیاری از مقررات ما مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛ از جمله در قانون مسئولیت مدنی و مواد ۱۰ و ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری. با توجه به این امر، باید دید که چه ضرر و زیان‌هایی قابل مطالبه است که شاکی یا مدعی خصوصی در مورد آن، بتواند اقامه دعوا نماید.

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۲، ۱۳۶۸، ص ۱۳.

امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از دادگاه کیفری، یکی از ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری فرانسه را تشکیل می‌دهد که از این کشور به سایر کشورهایی که مجموعه قوانین تحقیقات جنایی (کد ناپلئون ۱۸۰۸) را به عنوان الگو انتخاب کرده‌اند، راه یافته و در قانون آیین دادرسی کشورمان نیز وارد شده است. بدین ترتیب، در نظام فرانسوی و برخلاف آنچه که اصولاً در نظام انگلوساکسون تداول دارد، متضرر از جرم مجاز است که از مراجعه به دادگاه حقوق انصراف حاصل کرده، با استفاده از امتیازات مربوط به مراجعه به مراجع کیفری (از جمله تسریع در رسیدگی و احتراز از پیچ و خم‌های دادرسی حقوقی...)، دعوای مطالبه خسارت خود را که به «دعوی خصوصی» تعبیر می‌شود، در معیت ادعای دادستان در مقابل دادگاه کیفری اقامه کند. این امتیاز که در کشور ما با اجرای «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵ و به علت رسیدگی به امور حقوقی و کیفری توسط دادگاه واحد، موضوعیت خود را از دست داده، در اغلب کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی تنها امتیاز قابل توجهی است که برای متضرر از جرم، از اوایل قرن نوزدهم به وجود آمده بود و از آن پس و حتی تا پایان نیمه اول قرن بیستم و جز در موارد استثنایی، امتیاز مهم دیگری برای قربانی جرم در قوانین کشورهای مختلف پیش‌بینی نشده بود.^۱

هرچند طرح دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری از ابتکارات حقوق است و کمک شایانی به متضرر و زیان دیده می‌کند، باید دانست که در صورت عدم طرح دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری، نباید متضرر از جرم را فاقد حق دانست. در این صورت، همچنان امکان طرح دعوا در دادگاه‌های حقوقی و در مواردی شوراهای حل اختلاف را دارد.

مطابق قانون در مورد کلیه امور مدنی و حقوقی، تمامی جرائم قابل گذشت، و درباره جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت، طرفین اختلاف می‌توانند با توافق یکدیگر برای صلح و سازش به شورای حل اختلاف مراجعه کنند. لازم به ذکر است، همان‌گونه که از عنوان صلح و سازش پیداست، طرفین قصد دارند به‌طور مسالمت‌آمیز اختلاف خود را حل کنند. این موارد از جمله موارد صلاحیت اختیاری شورای حل اختلاف، و منظور این است که در این موارد اگر هر دو

۱. آشوری، محمد، نقش زیان‌دیده از جرم و تحول آن در دعوای کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۴، شماره ۳۴.

طرف راضی باشند که به اختلاف آنها در شورای حل اختلاف رسیدگی شود، این شورا صلاحیت رسیدگی خواهد داشت؛ در غیر این صورت، یعنی بدون رضایت هر دو طرف، اگر صرفاً یکی از طرفین بخواهد که دعوا در شورای حل اختلاف رسیدگی شود و طرف دیگر راضی نباشد و عدم رضایت خود را اعلام کند، شورا به این دعوا رسیدگی نخواهد کرد.

جرائم غیرقابل گذشت، جرائمی اند که حتی بدون شکایت شاکی هم فرایند رسیدگی، صدور رأی و اجرا انجام می‌گیرد و رضایت و گذشت شاکی ممکن است فقط یکی از عوامل کاهش و تخفیف مجازات باشد. در جرائم غیرقابل گذشت صرفاً جنبه خصوصی، یعنی دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم با توافق طرفین، قابل طرح در شورای حل اختلاف است. البته مناسب تر است، هنگامی که طرح دعاوی کیفری می‌کنیم، دعاوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را هم در ضمن آن مطرح کنیم تا همان مرجعی که به اصل جرم رسیدگی می‌کند، به مطالبه ضرر و زیان هم رسیدگی کند. اما چنانچه به طور جداگانه برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بخواهیم اقدام نماییم، می‌توانیم با توافق یکدیگر، این قسمت را در شورای حل اختلاف، برای ایجاد صلح و سازش مطرح کنیم که در قسمت بعد به طور کامل به این مطلب خواهیم پرداخت.

جرم اگرچه رفتار یا ترک عملی است که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده است، در پس وقوع هر جرمی ممکن است خسارت یا خسارت‌هایی به قربانی (مجنی علیه) وارد شود که علاوه بر مجازات شخص خاطی، این خسارت‌ها هم باید جبران شود؛ جبران خسارت ناشی از جرم، سازوکاری دارد که در قانون به آن توجه شده است.

۱. انواع ضرر و زیان ناشی از جرم

اصل جبران کامل خسارت از قواعد بنیادین حقوق مسئولیت مدنی به حساب می‌آید. به موجب این اصل، «باید تا جایی که دقیقاً امکان‌پذیر است، تعادل از بین رفته به وسیله زیان، مجدداً برقرار شود و زیان دیده در وضعی قرار گیرد که اگر عمل زیان‌بار تحقق نمی‌یافت، در آن وضعیت قرار می‌گرفت». از این اصل، نتایج متعددی استنباط می‌شود: یکی از مهم‌ترین آثار این اصل، تطابق راه‌حل‌های جبران خسارت با وضعیت زیان دیده است؛ بدین معنی که راه‌حل‌های

خشک و غیرقابل انعطاف سنتی که در مورد برخی از زیان دیدگان به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود، جای خود را به شیوه‌های نوین می‌دهد تا بیشترین هماهنگی را با وضعیت زیان دیده به وجود آورد. مطابق با ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

در امور کیفری، ضرر و زیان مادی یا مالی خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی‌های مجنی علیه وارد می‌شود و به صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن اعیان یا اموال یا کاهش ارزش آنها) یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه مالی) متجلی می‌گردد.^۱ ایجاد خسارت گاه ممکن است با خارج کردن مال از تصرفات مالکانه مجنی علیه صورت پذیرد؛ همانند ربودن مال، و گاهی با واداشتن شخص به صرف هزینه، همانند پرداخت هزینه دادرسی، و کیل و کارشناس متجلی می‌شود.^۲

مطالبه ضرر و زیان مادی شکل عام دعاوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم است. ضرر و زیان مادی علاوه بر اشکال فوق، گاه ممکن است به شکل محروم نمودن شخص از به دست آوردن نفعی در آینده متجلی گردد. در این فرض، شخص در اثر ارتکاب جرم از نفعی که قرار است در آینده به دست آورد، محروم می‌گردد و بدین طریق از افزایش دارایی وی جلوگیری به عمل می‌آید. به عبارتی دیگر، محروم شدن شخص از منافی که عادتاً انتظار آن را دارد، منافع فائده نامیده می‌شود.

صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی، همانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی، ضرر و زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی، ضرر معنوی دانسته شده، آن را به دو گروه اجتماعی و عاطفی تقسیم می‌کند.

ضرر معنوی ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود؛ مثلاً به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت (مانند حق بر شرف و حیثیت در مورد افترا) یا درد جسمی ناشی از کربه شدن چهره فرد در یک حادثه یا آنچه ضرر لذت بردن نامیده می‌شود (مثلاً محرومیت یک

۱. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۲. همان، ص ۲۰۹.

شخص مفلوج از لذت‌های عادی زندگی) و یا جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف (مثل غم و اندوه وارده بر خویشان نزدیک زیان دیده‌ای که در نتیجه تصادف در گذشته است).^۱

از لحاظ سوابق تاریخی، در قانون مجازات عمومی در ماده ۲۱۲، مکرر به مسئله ترمیم خسارت معنوی پرداخته شده، اما تعریفی از آن ارائه نشده بود. لیکن در سال ۱۳۳۹، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید که در آن ضرر و زیان معنوی به کسب حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی تعریف شده بود و این تعریف با تصویب قانون مسئولیت مدنی بود که در ماده ۸ اشاره می‌داشت: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات خلاف واقع به حیثیت و اعتبارات موقعیت دیگران زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است». ماده ۹ همان قانون که به خسارت معنوی دختری که در اثر اعمال حيله یا تحدید و یا سوءاستفاده از زبردست بودن حاضر به همخوابگی نامشروع می‌شود و ماده ۱۰ همان قانون که به لطمه، حیثیت و اعتبارات شخصی و خانوادگی اشاره می‌کند، تکمیل شده است.

از این لحاظ نیز می‌توان ضرر و زیان «معنوی» را تعریف کرد؛ بدین معنی که هر آنچه با روحیات یک فرد غیر از جسم او ارتباط داشته باشد، در این حوزه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، هر شخص با توجه به روحیات و ارتباطات اجتماعی خود دارای احساسات معنوی است که به وسیله آنها با دیگران تعامل داشته، مورد احترام قرار می‌گیرد و یا با این احساسات به آرامش می‌رسد و هر گونه خدشه به آنها داخل در ضرر و زیان معنوی است. به عبارت دیگر، از این دیدگاه نیز به همان تعریف اول می‌رسیم.

در حقوق فرانسه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی معتقدند که با توجه به طبیعت زیان معنوی، این نوع زیان قابل جبران نیست و اگر هم باشد، در بیشتر موارد تعیین میزان خسارت دشوار است؛ زیرا معیار واقعی معینی برای تعیین آن وجود ندارد. برخی معتقدند که باید بین زیان معنوی قابل جبران و غیرقابل جبران تفاوت قائل شد. ولی دیدگاه اخیر حقوق‌دانان بر امکان جبران خسارت معنوی به طور کامل است.^۲

۱. لوراسا، میشل، *مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، تهران: حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.

2. Mazeud Henry and Leon, Traite theorique et pratique de la responsabilite civile, p.394.

با عنایت به آنچه دربارهٔ تعریف ضرر و زیان معنوی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که این ضرر و زیان نه تنها اهمیتی کمتر از زیان‌های مادی ندارد، چه بسا واجد اهمیتی بیشتر است؛ چرا که افراد جوامع برای حیثیت و شأن اجتماعی ارزش وافر قائل اند، به ویژه در کشوری مانند ایران که علاوه بر استحکام پیوندهای خانوادگی، ارزش‌های مذهبی نیز بر اهمیت این موضوع افزوده است.

در تبصره یک این ماده آمده است: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم کند.

در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز آمده است که منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، منافع ممکن‌الحصول تصریح شده است. اگر ممکن در مقابل محال و در نتیجه ممکن‌الحصول در مقابل ممتنع‌الحصول قرار گیرد، قلمرو این نوع ضرر و زیان به‌طور غیرمعقول گسترش می‌یابد؛ زیرا هرآنچه که محال و ممتنع نباشد، بی‌شک ممکن خواهد بود. در نتیجه امکان دارد که شخص در یک زمان مشخص و محدود موقعیت‌های خوبی را به‌دست آورد و منافع چشمگیری تحصیل کند. لذا این معنی وسیع کلمه مورد نظر قانون‌گذار نبوده است و قلمرو منافع ممکن‌الحصول نمی‌تواند تا این حد نامعقول و غیرمتعارف گسترش یابد. لذا برخی از حقوق‌دانان معتقدند که مراد از منافع ممکن‌الحصول، منافی است که در زمان وقوع جرم منشأ حقوقی داشته و مدعی خصوصی از آن محروم شده است.^۱

۱. آخوندی، محمود، پیشین، ۱۳۸۷.

قانون گذار کیفری در مطالبه منفعت ممکن الحصول تنها مسئولیتی را تحمیل یا جبران خواهد کرد که ناشی از اتلاف به معنی واقعی و دقیق حقوقی کلمه باشد.^۱

اگر رفتار مجرمانه باعث زایل شدن منافع در آینده بشود، با عنایت به ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری که اظهار می‌دارد: «شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند» و همچنین بند اول تبصره ۲ این ماده «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید»، مشخص می‌شود که زائل شدن این منافع و محرومیت متضرر از آن باید ناشی از رفتاری باشد که عنوان مجرمانه داشته باشد. چنانچه محقق شدن منفعت در آینده نیاز به عمل یا منافع اقدام ثانوی نداشته باشد، این منافع بدون احتیاج به ابتکار و حادثه جدیدی از همان منشأ قابل حصول است؛ یعنی رابطه مستقیم بین حصول منفعت در آینده و منشأ آن بخشی از منافی که زائل شدن تحقق آن در آینده با وجود کامل بودن، موجبات حصول ناشی از فعل غیرمجرمانه باشد، عدم‌النتفع نامیده می‌شود و قانونی قابل تصور است.^۲

به نظر می‌رسد قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۱۴ در صدق اتلاف دلیل داشته باشد؛ چراکه این اصطلاح صدق اتلاف را می‌توانست در بند ماده بعد از خسارات مادی و معنوی و ممکن الحصول به کار ببرد، نه در تبصره این ماده. حال چون در تبصره آمده است، احتمالاً بحث قاعده اتلاف یا تسبیب مدنظر نبوده و این اصطلاح در مقابل بند ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است؛ چراکه در آنجا بحث از عدم‌النتفع بوده و قانون گذار برای رفع ابهام که اصطلاح عدم‌النتفع و ممکن الحصول از واژه صدق اتلاف استفاده کرده است؛ یعنی اینکه منافع ممکن الحصولی را می‌توان مورد مطالبه قرار داد که به‌واقع حتمی الحصول بوده و در اینکه از قاعده اتلاف یا لاضرر در تبصره ۲ ماده ۱۴ استفاده می‌شود، با توجه به مطالب فقهی و قوانین می‌توان گفت، تطابق راهکارهای جبران ضرر با توجه به وضعیت زیان‌دیده یا متضرر است؛ یعنی در مورد بعضی از زیان‌دیدگان با راهکارهایی که قابلیت انعطاف‌پذیری نداشته باشد، نمی‌توان به نتیجه منصفانه و ایدئال دست یافت.

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، **موجبات ضمان**، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۹.

۲. آخوندی، محمود، پیشین.

بنابراین با توجه به مفاد ائتلاف، هرگاه شخصی مال دیگری را از بین ببرد، ضامن آن مال خواهد بود و به موجب اطلاعات ادله این قاعده در پدیدآمدن نوع ضمان، هرگز عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. از آنجایی که قانون‌گذار محترم در تبصره ۲ ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری به صورت مبهم به این موارد اشاره کرده است، به نظر می‌رسد بتوان این‌گونه استنباط کرد؛ چرا که برای جبران خسارت ممکن‌الحصول نیازی نیست که وام‌دار قاعده ائتلاف باشیم و می‌توان بر اساس شرایط عمومی ضرر (مسلم، قابل پیش‌بینی، شخصی) به نتیجه‌ای بهتر و منطقی‌تر دست پیدا کنیم. همچنین قراردادن خسارت ممکن‌الحصول، هم‌عرض با دیگر خسارات، نادرست و برخلاف قواعد عمومی مسئولیت مدنی است.

منظور از تعزیرات منصوص شرعی در انتهای تبصره ماده ۱۴، آن دسته از جرایمی است که منصوص شرعی بر قابل تعزیر بودن و تعیین مجازات مرتکبین آنها وجود دارد، بدون اینکه این جرایم در زمره حدود شمرده شده باشند؛ مانند قرار گرفتن زن و مرد نامحرم در یک بستر. با این حال، مصادیق تعزیرات منصوص شرعی در قانون حاضر و قانون مجازات اسلامی ۹۲ احصاشده و در نتیجه صدور آرای متعارض از سوی دادگاه‌ها و دخالت هیئت عمومی دیوان عالی کشور برای صدور رأی وحدت رویه از هم‌اکنون قابل پیش‌بینی است.

در انتقاد از این حکم می‌توان گفت که اولاً این ماده، حکم جرایم موجب قصاص، حد و تعزیر غیرمنصوص را روشن نکرده است؛ ثانیاً توجیهی برای خروج تعزیرات منصوص و دیه از شمول اصل جبران کامل خسارت وجود ندارد، مگر دست زدن به همان مباحث خسارات مازاد بر دیه که اکنون مازاد بر تعزیر منصوص نیز به آن اضافه شد.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار عبارتی فقهی و مطلق را در قانون وارد کرده است و هیچ الزام قانونی برای تبعیت دادرسان از رویکرد فقهی شورای نگهبان وجود ندارد. با وجود این، آنچه مسلم است، اصطلاحی فقهی در قانون ذکر شده است؛ بدون آنکه مفهوم و مصادیق آن تعریف و مشخص شده باشد و تعزیرات منصوص شرعی از مصادیق اجمال قانون به شمار می‌رود؛ اصطلاحی که در متن قانون ذکر گردیده، بدون آنکه ابعاد آن روشن باشد. در این موارد، مانند سایر مواردی که ارجاع به اصل ۱۶۷ قانون اساسی موضوعیت پیدا می‌کند، باید به

منابع معتبر فقهی مراجعه نماییم.^۱ بنابراین بهتر است قضات در تفسیر این موارد به تفسیر مضیق اکتفا کرده، دامنه آن را گسترش ندهند تا به نفع زیان دیده عمل نمایند. بدین ترتیب، قانون گذار در یک قانون شکلی تلاش کرد تا درباره موضوعی ماهوی اظهار نظر و قلمرو زیان های قابل مطالبه را محدود کند؛ براین اساس، نمی توان منافع ممکن الحصول و زیان معنوی را با دیه جمع کرد، بلکه می باید به دریافت دیه بسنده نمود. با توجه به صراحت این ماده، مسیر نظام حقوقی مان برای جبران کامل زیان ها دشوارتر خواهد شد.

با توجه به این ماده، ضرر و زیان ناشی از جرم را می توان با ارائه دادخواست ضرر و زیان مطالبه کرد و از این نظر تفاوتی میان جرایم قابل گذشت و گذشت ناپذیر وجود ندارد. این موضوع در حالی است که اگر در دادسرا این موضوع احراز شود که جرم مستوجب ضرر و زیان، مشمول مرور زمان است، مرجع صادرکننده حکم به پرداخت ضرر و زیان، دادگاه است نه دادسرا. درحالی که اگر پرونده به دادگاه آمده باشد و دادگاه در مقام صدور حکم، به صورت اثباتاً یا نفیاً برآید؛ به این معنا که به نفع یا به ضرر آن حکم دهد، اعم از اینکه جرم قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بوده یا مشمول مرور زمان شود یا خیر، از طریق دادخواست حقوقی، می توان خسارات ناشی از جرم را مطالبه کرد.

باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که مرور زمان، دعوی عمومی را تحت الشعاع قرار می دهد و به دعوی خصوصی ارتباطی نخواهد شد. برای اینکه متضرر از جرم بتواند دعوی ضرر و زیان خود را در مقابل دادگاه اقامه کند، باید علاوه بر دارا بودن اهلیت، در طرح دعوا نیز ذی نفع باشد. در برخی مواقع، وراثت و قائم مقام های قانونی بزه دیده هم می توانند تحت شرایطی خسارت ناشی از جرم را مطالبه کنند. خسارت ناشی از جرم قابل مطالبه است و این خسارت با اموال ناشی از جرم تفاوت دارد؛ چون اموال حاصل از جرم بدون نیاز به دادخواست به مالک آن برگردانده می شود؛ اما خسارات ناشی از جرم برای اینکه پرداخت شود، نیازمند تقاضای خسارت دیده است.

۱. برهانی، محسن و مریم نادری فرد، *تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی*، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱۰.

اصل بر این است که برای طرح ادعای خصوصی، متضرر از جرم باید مهلت ها و تشریفات را رعایت کند و هزینه‌هایی را بپردازد. البته گاه متضرر از جرم از این امر معاف می‌شود و آن هنگامی است که قانون صریحاً او را از این امر معاف کرده باشد؛ برای مثال، در جرایم سرقت و کلاهبرداری، قانون دادگاه را مکلف کرده است تا در حکم خود، علاوه بر تعیین مجازات برای مرتکب، وضعیت خسارات و ضررهای ناشی از ارتکاب جرم را که به مال باخته وارد آمده است، نیز روشن کند.

۲. مبنای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم

در خصوص مبانی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، مبانی فقهی متعددی وجود دارد که امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را به رسمیت شناخته است که در ذیل به اهم این مبانی اشاره خواهیم نمود.

۲.۱. قاعده لاضرر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه عبادات، معاملات به آن استناد شده است، قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام است. رسول خدا (ص) با بیان این قاعده نفی، هر گونه ضرر و زیان و لزوم جبران آن را تشریح و تثبیت نمودند. به زعم فقهای اسلام، این قاعده پدیده مسئولیت و الزام‌آوری بودن آن اعم از مدنی و کیفری را در حقوق اسلام بیان می‌کند. آنان مسئله نفی ضرر و جلوگیری از آن را از مستقلات عقلیه می‌دانند. یعنی بدون آنکه شارع و قانون گذار حکمی در راستای آن داشته باشد، خود عقل به آن خواهد رسید.^۱

۲.۲. قاعده نفی عسر و حرج

«حرج» در لغت به معنای ضیق (تنگی)، سختی، گناه و حرام است. راغب می‌گوید: «حرج» دراصل به معنای اجتماع و انبوهی شیء است؛ به گونه‌ای که موجب حصول تصور ضیق و تنگی میان آن اشیا شود؛ لذا به تنگی و گناه، «حرج» گفته‌اند.^۲ در لسان‌الغیب ذیل ماده حرج چنین

۱. نراقی، احمد، *عوائد الایام*، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.

آمده است: «حرج در لغت به معنای گناه و ضیق است» و از زجاج نقل می‌کند: «الْحَرْجُ فِي اللُّغَةِ أَضِيقُ الضِّيقِ وَ مَعْنَاهُ أَنَّهُ ضَيْقٌ جَدًّا»؛ حرج به امری اطلاق می‌شود که دارای مشقت و سختی زیادی باشد. ابن اثیر در نهاییه متذکر می‌شود که «حرج» در اصل به معنای ضیق است؛ گرچه گاهی به معنای گناه و حرام هم می‌آید و گفته شده است که «حرج» به معنای أَضِيقُ الضِّيقِ (مشقت و سختی زیاد) است.^۱

واژه «عسر» نیز متضاد «یسر» و به معنای سختی، دشواری و تنگی است. این واژه در قرآن کریم، به همین معناست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ مسلماً با سختی، آسانی است. (سَبَّحَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا)؛ خداوند به زودی بعد از سختی‌ها، آسانی قرار می‌دهد.^۲ بر اساس این قاعده، خداوند تبارک تعالی حکمی وضع نمی‌کند که موجب قرار گرفتن انسان‌ها در مشقت باشد و هیچ‌کس نباید بر دیگری عملی را تحمیل کند که موجب سختی و مشقت گردد، مخصوصاً اگر عمل او باعث ضرر گردد؛ چراکه ضرر و زیان موجب عسر و حرج است. بر این اساس باید گفت: عدم جبران ضرر ناشی از جرم، باعث قرار گرفتن اشخاص در تنگنا می‌گردد؛ به این معنا که اگر در اثر زخمی نمودن، درد و رنجی به زیان دیده وارد گردد، باید جبران شود.

۲.۳. قاعده ضمان

این اصل در قوانین و حقوق تمام کشورها پذیرفته شده است و هر کشوری با توجه به عرف جامعه، درصد کاربرد، اعمال و تعیین محدوده قاعده ضمان دارد که در کجا خسارت وارده نامتعارف و نارواست تا برای جبران آن اقدام نماید. ضمان، مسئولیت اعم از کیفری و مدنی را شامل می‌گردد و در فقه اسلامی ملتزم شدن کسی به جبران ضرر و زیان‌هایی است که خود مسبب آن بوده، بنابراین هر کس به دیگری ضرر و زیان وارد کند، باید از عهده خسارات وارده برآید.^۳

۱. ابن اثیر، *النهاییه فی غریب الحدیث و الاثر*، بیروت: المکتبه العلمیه، بی‌تا.

۲. انشراح، آیه ۵ و طلاق، آیه ۷.

۳. ادریس، احمد، *دیه*، ترجمه دکتر علیرضا فیض، تهران: انتشارات طبع و نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۷، صص ۳۳-۳۴.

۲.۴. بنای عقلا

منظور از بنای عقلا آن است که هرگاه امری مورد قبول اندیشمندان و خردمندان قطع نظر ادیان «بِمَا هُمْ عَقْلَاءُ» قرار گیرد، در نتیجه اگر عقلا ورود ضرر و زیان به غیر را موجب ضمان و عدم تدارک و جبران ظلم بدانند، شارع هم باید آن را بپذیرد؛ زیرا عدم پذیرش از سوی شارع باعث می‌گردد که حکم مذکور حکمی عقلایی محسوب نشود، از طرفی جایز دانستن ورود ضرر و زیان از طرف باری تعالی، یعنی جایز دانستن ظلم، برخلاف نظام عدل الهی است.

۲.۵. اتلاف و تسبیب

از دیدگاه فقه شیعه، موجبات ضمان قهری سه چیز است: ضمان ید، اتلاف و تسبیب. قاعده اتلاف یکی از قواعد مسلم و مورد اتفاق بین جمیع فرق مسلمین است. در این نوشتار تلاش خواهد شد اتلاف و احکام مربوط به آن به طور مختصر توضیح داده شود.

مستند این قاعده در کتاب، این آیه شریفه است که بعضی از قدماء، از جمله شیخ طوسی در مبسوط به آن اشاره کرده اند: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ...»؛ هر کس به شما تجاوز کرد، پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید.

تردید نیست که اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تجاوز و تعدی بر دیگری محسوب می‌شود. مستفاد از آیه شریفه فوق دو چیز است: اولاً اعلام جواز یا به تعبیر دیگر، جعل حق مؤاخذة و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز گرفته است و ثانیاً اینکه مورد مطالبه می‌تواند مقابله به مثل باشد که در این حکم قرآنی، «مثل بگیرید»، کنایه از آن است که اگر مثلی باشد، مثل و اگر قیمی باشد قیمت گرفته شود.

به بیان فوق، در این آیه، حکم واضحی وجود دارد، مبنی بر اینکه هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است. یعنی آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است. البته از سوی بعضی از فقها، استدلال برای ضمان به آیه فوق مورد خدشه و مناقشه قرار گرفته است.

اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی. «اتلاف حقیقی» آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند؛ ولی در «اتلاف حکمی» نفس مال از بین نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود

می شود؛ مانند اینکه شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار کند و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابود نکرده (اتلاف حقیقی)، ولی چون آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است.

بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته‌اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی‌شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها باعث ضمان نیست، بلکه غرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد، به ادله دیگری تمسک می‌کنند و مثلاً می‌گویند: «آیه «فَمَنْ أَعْتَدَى...» بیان‌کننده ضمان عدوان یا اعتداست و موارد اتلاف حکمی، مشمول ضمان مزبورند. خلاصه آنکه به نظر بعضی، اتلاف مال در این ظهور دارد که مالی ضایع شود و در اصطلاح، تلف شدن به معنای نابود شدن است و لذا شامل اتلاف حکمی نمی‌شود؛ ولی متقابلاً در نقد این نظریه می‌توان گفت: درست است که مال به طور حقیقی نابود نشده، ولی مالی که از قیمت افتاده، حکماً و مجازاً نابود شده است.

در مورد «سبب» گفته شده است، هر چیز که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید، «سبب» است، در مقابل «علت» بدین نحو که هرگاه رابطه بین دو چیز به گونه ای باشد که از وجود یکی وجود دیگری و از عدم یکی عدم دیگری لازم بیاید، آن «یکی» را علت تامه دیگری می‌گویند. پس علت تامه و سبب با وجود مشابهت، دو چیز متفاوت‌اند. در تسبیب، عمل شخص مستقیماً و مباشرتاً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه بین عمل شخص و تلف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد. منظور از عمل، فعل وجودی به اصطلاح فنی فلسفی نیست، بلکه در اصطلاح حقوقی، اعم است از فعل یا ترک فعل و به عبارت دیگر در تسبیب فعل مسبب بر دو قسم صورت می‌گیرد:

۲.۵.۱. فعل مثبت

فعلی است که انجامش سبب تلف مال گردد، مثل آنکه کسی سنگی یا پوست میوه ای را در پیاده‌رو بیندازد و رهگذری پایش بلغزد و بشکند یا لباسش پاره شود.

۲.۵.۲. فعل منفی

ترک فعلی است که سبب ورود خسارت بر غیر شود؛ خواه فعل مزبور تکلیف ناشی از قرارداد باشد، مانند آنکه مأموران راه‌آهن در اثر عدم انجام وظیفه به موقع خود، سبب تصادم قطار گردند یا آنکه تکلیف ناشی از وظایف قانونی باشد؛ مثل آنکه ولی با عدم انجام وظیفه نسبت به حفظ اموال مولی‌علیه موجب ورود خسارت بر اموال او گردد. همه این اقسام از موارد تسبیب است؛ زیرا مسبب با واسطه موجب ورود خسارت بر دیگری شده، هر چند که مستقیماً و مباشرتاً عامل ضرر نشده است.

مطابق این دو قاعده، هر گونه ضرر و زیانی که به اشخاص چه عامدانه یا غیرعامدانه، چه مستقیم یا غیرمستقیم وارد گردد، باید جبران شود. با توجه به این امر، ضرر و زیان ناشی از جرم که در دامنه این دو قاعده می‌گنجد، باید جبران نشده باقی نماند.

۳. صلاحیت شورای حل اختلاف در دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم

صلاحیت عبارت است از توانایی و شایستگی قانونی شورای حل اختلاف برای رسیدگی به دعوی و اختلافات و حل و فصل آنها. اعضای شورا باید قبل از رسیدگی به هر جرمی تشخیص دهند شکایتی که عنوان گردیده و مطرح شده، داخل در محدوده توانایی و صلاحیت شورا است، تا ملزم و مکلف به رسیدگی باشند یا از محدوده توانایی و صلاحیت شورا خارج است که در این صورت نه تنها تکلیفی به رسیدگی ندارند، بلکه باید الزاماً از رسیدگی خودداری نمایند. تشخیص صلاحیت هر شورا با همان شورا است.

صلاحیت شورای حل اختلاف در ایجاد صلح و سازش به طرفین، با توجه به بند (الف) ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ که بیان داشته است: کلیه امور مدنی و حقوقی، با توجه به این امر که دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم دعوی حقوقی است، در نتیجه قابلیت اقامه در شورا را خواهد داشت. قانون‌گذار سعی نموده است که به بیان مختلف سازش در دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را در صلاحیت شورا قرار دهد که نمود این نیت در بند (پ) ماده فوق‌الذکر نیز به چشم می‌خورد، جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت، شامل دعوی ضرر و زیان نیز می‌گردد. این هدف در ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین

قانون شورای اختلاف مصوب ۱۳۸۷ مورد توجه قرار داشته است؛ به گونه‌ای که ماده هشت قانون شورای حل اختلاف همان ماده هشت قانون شورای حل اختلاف ۱۳۸۷ است. در واقع چه طبق قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و چه مطابق قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، شوراهای حل اختلاف در کلیه امور حقوقی و مدنی می‌توانند اقدام به حصول صلح و سازش نمایند. در واقع در خصوص دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم که جنبه حقوقی داشته و فاقد جنبه کیفری باشد، شوراهای حل اختلاف در جمیع حالات بدون وجود سقف معین در این گونه دعاوی، مجاز به حصول صلح و سازش بین طرفین است.

اما در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم، ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ تغییرات چشمگیری داشته است. ماده نه قانون شورای حل اختلاف بیان داشته است:

«در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف) دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگستری مطرح می‌باشند.

ب) تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه؛

پ) دعاوی تعدیل اجاره‌بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد؛

ت) صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن؛

ث) ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد؛

ج) دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف) در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشند.

چ) تأمین دلیل؛

ح) جرایم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد».

در قانون جدید صرفاً قاضی شورا با مشورت اعضا اقدام به رسیدگی و صدور رأی می‌نماید. بند (الف) بیان داشته است که صرفاً دعوای مالی راجع به اموال منقول تا سقف بیست میلیون تومان قابلیت رسیدگی در شورا را خواهند داشت و همچنین بند (ج) بیان داشته است که صرفاً جرایم تعزیری منجر به جزای نقدی درجه هشت از قابلیت رسیدگی برخوردارند.

با توجه به متون موجود، باید گفت که در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم، در صورتی شورا صلاحیت رسیدگی خواهد داشت که ابتدا خسارات بر اساس جرم به اموال شخص وارده شده باشد، اموال منقول باشد و ارزش خواسته تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال باشد که این خسارات ممکن است مادی یا معنوی باشد. در خصوص خسارت بدنی، در صورتی که مشمول بند (ح) این ماده گردد، شورا صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

درباره رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم، در قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، ماده یازده را می‌توان مورد توجه قرار داد که تا حدودی با ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ متفاوت است. طبق ماده یازده قانون شوراهای حل اختلاف سابق در خصوص رسیدگی و صدور رأی به دعوای ناشی از ضرر و زیان ناشی از جرم، صرفاً قاضی شورا را صالح به رسیدگی می‌داند و قاضی شورا با مشورت اعضای شورا می‌تواند در این مورد تصمیم‌گیری و صدور حکم کند. البته در خصوص شرایط رسیدگی قاضی شورا به این دعوای، بند یک ماده یازده شرایطی را تعیین کرده است. طبق بند یک ماده مذکور، تنها دعوای مالی تا بیست میلیون ریال در روستا و تا پنجاه میلیون ریال در شهر، قابلیت صدور حکم از سوی قاضی شورا را دارد. درباره دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم نیز باید به این بند از ماده ۹ استناد می‌شد و تنها در صورتی که خسارت به اموال وارد آمده بود، آن هم در روستا تا سقف دو میلیون تومان و در شهر تا سقف پنج میلیون تومان، قابلیت رسیدگی و صدور حکم را داشت.

در زمینه صلاحیت محلی شورای حل اختلاف درباره دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم باید اذعان نمود، از آنجایی که این دعوای بعد حقوقی دارند و رسیدگی به این دعوای خارج از دادگاه کیفری صورت می‌گیرد، بنابراین باید در شورای حل اختلاف محل اقامت خوانده، اقامه شود. در واقع این دعوای جنبه مدنی دارد و چون شورا صرفاً در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم که به اموال منقول وارد شده صلاحیت رسیدگی دارد، باید به کلیات قوانین آیین دادرسی ارجاع شود و

طبق این موارد، صلاحیت رسیدگی به این دعاوی مختص مرجع قضایی محل اقامت خوانده است. البته در این باب یک حالت استثنا وجود دارد که بند (ح) ماده دوازده قانون شوراهای حل اختلاف به آن اختصاص یافته است. طبق این بند، شوراهای حل اختلاف درباره دعاوی کیفری درجه هشت که صرفاً مجازات جزای نقدی دارند، صالح به رسیدگی است. در زمینه این دعاوی، اگر زیان دیده از جرم بخواهد دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را در حین رسیدگی به دعوی کیفری خود اقامه کند، شورای حل اختلاف محل وقوع جرم مرجع صالح به رسیدگی است. البته در این حالت می‌تواند دعوی ضرر و زیان خود را به صورت مجزا در مرجع حقوقی محل اقامت خوانده نیز اقامه نماید.

پس می‌توان بیان داشت تعیین دادگاه صالح در خصوص دعاوی ضرر و زیان را باید با توجه به نوع مال و جنس خسارات وارده مورد توجه قرار داد. در رسیدگی به دعوی حقوقی، اصل بر صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده خواهد بود. بر پایه این اصل، دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم دادگاه محل اقامت مشتکی عنه خواهد بود. در صورتی که خسارت وارده از جرم به اموال غیرمنقول باشد، دادگاه صالح دادگاه محل وقوع اموال غیرمنقول خواهد بود. موضوع دیگر قابل بحث در این زمینه، دعاوی ناشی از اموال غیر منقول است که آیا این دعاوی در صلاحیت شورای حل اختلاف می‌باشد؟ در صورتی که شخصی ملک دیگری را تخریب نماید، در این صورت آیا می‌توان دعاوی مذکور را در شورای حل اختلاف اقامه نمود؟

بنابر نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵/۲۷۱ - ۱۳۹۵/۲/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، با توجه به ماده ۲۰ قانون مدنی و ضابطه ارائه شده در رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۵/۹/۱۳۶۳، دعاوی درباره مطالبه وجوه مربوط به اموال غیرمنقول ناشی از عقود و قراردادهای از جمله مال الاجاره تا نصاب مقرر در بند (الف) ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ (یعنی دویست میلیون ریال) در صلاحیت شوراهای مزبور است. اما دعاوی راجع به خسارات وارده به اموال غیرمنقول و نیز اجرت‌المثل ایام تصرف اموال یادشده که فاقد منشأ قراردادی است، از صلاحیت شوراهای یاد شده، خارج است.^۱

۱. رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۵/۹/۱۳۶۳: نظر به اینکه صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول و موضوع ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی (در دعاوی راجع به غیرمنقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجع به آن) حتی در صورت مقیم نبودن مدعی و مدعی علیه در حوزه محل وقوع مال غیرمنقول استثنای بر اصل ←

۴. آیین دادرسی شورای حل اختلاف در رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم

در صورتی که به هر دلیل دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم با توجه به توضیحات ارائه شده در دادگاه مطرح گردد، در این صورت مدعی خصوصی ملزم به رعایت تشریفات است. ماده ۱۶ شورای حل اختلاف ۱۳۹۴ بیان می‌دارد، رسیدگی در شورا می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی مورد تقاضا قرار گیرد. در ادامه ماده ۱۷ شرایط درخواست را را بیان می‌دارد: «درخواست رسیدگی متضمن موارد زیر است:

الف) نام و نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفین دعوا؛

ب) موضوع خواسته و همچنین تقویم آن در امور مالی؛

پ) موضوع درخواست یا اتهام؛

ت) دلایل و مستندات درخواست یا شکایت».

شورا ملزم به رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی نیست؛ اما باید اصول دادرسی مدنی یا کیفری را به فراخور دعوا رعایت نماید. تبصره ماده ۱۹ قانون شورای حل اختلاف برای اولین بار به صورت روشن منظور از تشریفات را بیان داشته است. منظور از تشریفات در این ماده، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است. هزینه رسیدگی شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعوای کیفری و غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعوای مالی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) آن است. رسیدگی به دعوای مشمول ماده (۸) این قانون بدون هزینه دادرسی است.^۱ مطابق بخشنامه

→ صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده موضوع ماده ۲۱ قانون فوق‌الاشعار است و با عنایت به اینکه با تعاریفی که از مواد ۱۲ الی ۲۲ قانون مدنی به عمل آمده، از ماده ۲۰ آن چنین استنباط می‌شود که قانون‌گذار بین دعوای مطالبه وجه مربوط به غیرمنقول ناشی از عقود و قراردادهای دعوای مطالبه وجه مربوط به غیرمنقول و نیز اجرت‌المثل آن در غیر مورد عقود و قراردادهای قائل به تفصیل شده و دعوای قسم اول را منطوقاً از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعوای قسم دوم را مفهوماً از دعوای راجعه به غیرمنقول دانسته است که نتیجتاً دعوای اخیرالذکر تحت شمول حکم ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار می‌گیرد. بنا به مراتب در اختلاف‌نظر حاصله بین شعب ۳ و ۲۱ دیوان عالی کشور از یک طرف و ۱۳ و ۲۲ دیوان عالی کشور از طرف دیگر، احکام صادره از شعب ۱۳ و ۲۲ که در مسیر استنباط مذکور قرار دارد، مورد تأیید است. این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. ^۱ ماده ۲۳ قانون شورای حل اختلاف ۱۳۹۴.

صادره توسط قوه قضائیه درباره دعوی مالی تا سقف بیست میلیون مبلغ دو و نیم درصد و مازاد بر آن مبلغ سه و نیم درصد در نظر گرفته شده است. اما در این خصوص باید بیان داشت که در دعوی ورود خسارت، چه به اشخاص و چه اموال، این نوع خسارات توسط خواهان تقویم می‌گردد و سپس توسط کارشناس مبلغ دقیق خسارات وارد شده برآورد خواهد شد. پس می‌توان بیان داشت که این دعوی می‌تواند از میزان مبلغی که در صلاحیت شورا است، برآورد شود. به عنوان مثال، در دعوی ضرر و زیان که خسارت به یک خودرو وارد شده باشد و شخص می‌تواند با تقویم علی‌الحساب خسارت به میزان ۱۵ میلیون دعوی خود را در شورا اقامه نماید و با توجه به این امر که میزان خسارت واقعی توسط کارشناس بعداً در ادامه رسیدگی مشخص خواهد گردید، حتی دعوی بیش از ۲۰ میلیون تومان نیز می‌تواند در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار گیرد. با توجه به این امر که ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف جنبه آمره دارد، شورا باید عدم صلاحیت صادر نماید. اما عملاً پس از شروع به رسیدگی، شورا اقدام به صدور رأی می‌نماید، مگر اینکه با ایراد طرفین این امر به مرجع صلاحیت‌دار ارسال گردد.

در صورتی که دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در شورای حل اختلاف اقامه گردد، این دعوا در هر حال قابلیت تجدیدنظرخواهی را خواهد داشت. مهلت تجدیدنظرخواهی بیست روز خواهد بود.^۱ مرجع صالح به منظور اقامه دعوی تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از ناحیه قاضی شورای حل اختلاف طبق ماده ۲۷ قانون شوراها مصوب ۱۳۹۴، در دعوی حقوقی، دادگاه‌های عمومی حقوقی و در خصوص دعوی کیفری دادگاه کیفری و محل صدور رأی است. بنابراین درباره دعوی ناشی از ضرر و زیان ناشی از جرم، مرجع تجدیدنظرخواهی اصولاً دادگاه عمومی محل صدور رأی قاضی شورا است. دادگاه تجدیدنظر بنا بر تبصره ماده ۲۷، در صورت نقض رأی، مبادرت به صدور رأی مجدد نموده، فقط در خصوص موضوع تجدیدنظرخواهی شده تصمیم‌گیری نمی‌نماید، بلکه به طور کامل درباره دعوی اقامه شده، صدور رأی می‌کند و این رأی مانند رأی دادگاه نخستین محسوب می‌شود و قابلیت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان را نیز با حصول شرایط قانونی خواهد داشت. اما درباره دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم که در شورای

۱. ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴.

حل اختلاف برده می‌شود، گزارش اصلاحی صادره توسط شورای حل اختلاف قطعی است.^۱ زیرا گزارش اصلاحی، در نتیجه صلح و سازش بین طرفین صادر می‌شود و ماهیت آن حکم نیست که امکان تجدیدنظرخواهی در آن وجود داشته باشد.

۱. تبصره یک ماده ۲۷ شورای حل اختلاف.

نتیجه گیری

صلاحیت عبارت است از توانایی قانونی شورای حل اختلاف برای رسیدگی به دعاوی و اختلافات و حل و فصل آنها. اعضای شورا باید قبل از رسیدگی به هر جرمی تشخیص دهند، شکایتی که عنوان گردیده و مطرح شده، داخل در محدوده توانایی و صلاحیت شورا است تا ملزم و مکلف به رسیدگی باشد یا از محدوده توانایی و صلاحیت شورا خارج است که در این صورت نه فقط تکلیفی به رسیدگی ندارند، بلکه باید الزاماً از رسیدگی خودداری نمایند.

طبق قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم، می‌توان خسارات مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول را درخواست کرد که اگر دعوا در صلاحیت شورای حل اختلاف باشد، امکان صدور حکم به ضرر و زیان در هر یک از موارد فوق است.

با توجه به متون موجود، باید بیان داشت که در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم، در صورتی شورا صلاحیت رسیدگی خواهد داشت که ابتدا خسارات بر اساس جرم به اموال شخص وارده شده باشد، اموال منقول باشد و ارزش خواسته تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال باشد که این خسارات ممکن است مادی یا معنوی باشد. در خصوص خسارت بدنی، در صورتی که مشمول بند (ح) این ماده گردد، شورا صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

درباره دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم که جنبه حقوقی داشته و فاقد جنبه کیفری باشد، شوراهای حل اختلاف در جمیع حالات بدون وجود سقف معین در این‌گونه دعاوی، مجاز به حصول صلح و سازش بین طرفین است.

در خصوص صلاحیت محلی شورای حل اختلاف در خصوص دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم، باید اذعان نمود، از آنجایی که این دعاوی بُعد حقوقی دارند و رسیدگی به آنها خارج از دادگاه کیفری صورت می‌گیرد، بنابراین باید در شورای حل اختلاف محل اقامت خوانده، اقامه شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۲، ۱۳۶۸.
۲. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
۳. ادريس، احمد، *ديه*، ترجمه دکتر علیرضا فیض، تهران: انتشارات طبع و نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۴. خالقی، علی، *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش، چاپ ششم، ۱۳۹۵.
۵. عمید زنجانی، عباسعلی، *موجبات ضمان*، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۶. لوراسا، میشل، *مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، تهران: حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.

مقاله

۷. آشوری، محمد، *نقش زیان دیده از جرم و تحول آن در دعاوی کیفری*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۴، شماره ۳۴.
۸. برهانی، محسن و مریم نادری فرد، *تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی*، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱۰.

ب) منابع عربی

۹. ابن اثیر، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، بیروت: المکتبه العلمیه، بی تا.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. نراقی، ملا احمد، *عوائد الایام*، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.

ج) منبع انگلیسی

Book

12. Mazeud Henry and Leon, *Traite theorique et pratique de la responsabilite civile, Delictuelle et Contractuelle*, Tome 3, Paris, Siery, Edition 11, 1934.

